

گاو بی خیال

گنده است و او دارد ...



گنده است و او دارد

وزن و هیكلی سنگین

خوش به حال گاوی که

ذره ای نشد غمگین

یونجه می خورد هر روز

غصه ای ندارد او

می رود به هر جایی

بوده قلندر و پُر رو

دائماً دُمَش را نیز

می دهد تکان اما

خسته هم نمی گردد

گاو گنده و زیبا

روز و شب، مگس ها را

می پراند او با دُم

با صدای زنگوله

لحظه ای نگردد گم

اهل بازی و تفریح

هست و بادُمَش شاد است

از تمام غم ها نیز

راحت است و آزاد است

بی خیال و دل گنده

هست و بوده او نادان

داده حقو به او روزی

مانده عقل ما حیران